

روژنه

چالش‌های فرا روی عربستان سعودی

●عربستان سعودی دارای یک پنجم ذخیره نفت جهانی و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در دنیاست که از این راه ذخایر ارزی فراوانی را به دست آورده و یکی از بزرگ‌ترین بورس‌های عرب را تشکیل می‌دهد.این کشور تکیه‌گاه اساسی سیاست‌های امنیتی آمریکا در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود و نفوذ زیادی در جهان اسلام دارد. تعداد جمعیت عربستان به ۱۶میلیون نفر می‌رسد و خانه کعبه و مسجد پیامبر (ص) به عنوان دو مکان زیارتی مهم مسلمانان در این کشور قرار دارد. با این حال عربستان با چالش‌های مهمی روبه‌روست که عبارتند از:

۱- **مساله جانشینی**
عمل جراحی اخیر ملک عبدالله بن عبدالعزیز (۸۹ساله) که ۱۱ ساعت به طول انجامید نگرانی‌های زیادی را پیرامون مساله جانشینی او مطرح کرد. به‌ویژه آنکه دو نفر از ولیعهدهای سعودی در کمتر از یک سال فوت کرده بودند. سرانجام در ماه ژوئن گذشته بود که امیر سلمان بن عبدالعزیز (۷۶ساله) برادر ناتنی پادشاه به ولیعهدی انتخاب شد. وی همچنین مقام سمت خود به عنوان وزیر دفاع را در اختیار دارد. از سوی دیگر شاهزاده احمد بن عبدالعزیز معاون سابق وزارت کشور عربستان به عنوان وزیر کشور به جای برادرش شاهزاده ناف بن عبدالعزیز (ولیعهد متوفی) منصوب شد. روند جانشینی در عربستان سعودی بسیار پیچیده است و تنها منحصراً به فرزندان عبدالعزیز آل سعود نینانگذار این سلسله می‌شود که از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌گردد. از این رو عربستان باید پیوسته مراقب سلامتی امرای خود باشد و هر گونه تعدیل در سطح وزیران بسیار محدود خواهد بود.

۲- **نگرانی‌های داخلی**
ملک عبدالله از زمان پادشاهی خود تاکنون تلاش کرده است یک‌سری اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را صورت دهد. هدف از این‌گونه اصلاحات مقابله با موج بیکاری جوانان و فساد و کمبود مسکن بوده است. در سال ۲۰۱۱ وی قول داد ۱۱۰میلیارد دلار را برای مصارف اجتماعی هزینه کند. این برنامه برای کاهش سطح اعتراضات بود اما وی در این باره هیچ‌گونه اصلاحات سیاسی قابل ذکر را پیشنهاد نکرده است. عربستان در نظر دارد تا سال ۲۰۱۳، حدود ۲۱۹میلیارد دلار را صرف بیمه‌های اجتماعی و پروژه‌های زیرساختی کشور کند. در این باره در عربستان دو گرایش وجود دارد که یکی طرفدار اصلاحات اجتماعی بیشتر مانند مشارکت دادن زنان در اماکن عمومی از جمله محلیه‌های کاری است اما در مقابل محافظه کاران نیز که در جامعه نفوذ زیادی دارند این گونه اصلاحات را رد کرده و آنها را بر خلاف اسلام می‌دانند.

۳- **تنش‌های منطقه‌ای**
یکی دیگر از مشکلات عربستان خیزش‌های موسوم به پهل عربی است که برخی از رژیم‌های همپیمان با عربستان را سرنگون کرد و ثبات و آرامش منطقه را برهم زد. این درحالی است که ریاض همچنین در یک رقابت منطقه‌ای با تهران قرار دارد. عربستان سعودی در کنار سایر کشورهای عربی قرار گرفت که از مخالفان بشار اسد در سوریه دفاع می‌کردند و از آنجا که اسد همپیمان با ایران است دولت آل سعود می‌ترسد ایران در صدد انتقام‌جویی برآمده و تنش‌های بحرین را شعله‌ور سازد. کشوری که اکثریت ساکنانش را شیعیان تشکیل می‌دهند اما در همان حال اقلیتی اهل سنت بر آن حاکم است. ایران البته بارها تاکید کرده است که در حوادث بحرین نقشی ندارد.

۴ - **اقلیت شیعه**
اعتراضات ضد حکومتی در عربستان بیشتر از سوی شیعیان بوده و تاکنون دست‌کم ۱۲ کشته از بین تظاهرات کنندگان داشته است. همچنین گفته می‌شود یک نیروی پلیس نیز در این درگیری‌ها کشته شده است. شیعیان از تبعیض رنج می‌برند و می‌گویند این تبعیض به صورت ساختاری جریان داشته و آنها را به حاشیه رانده است اما دولت عربستان این موضوع را رد می‌کند. رهبران قدیمی و علمای صاحب‌نام شیعه در عربستان می‌گویند نگران آن هستند که به دلیل تشدید خشونت‌ها جوانان دیگر به حرف‌هایشان تمکین نکرده و اوضاع از کنترل آنان خارج شود.

۵ - **گروه‌های افراطی**
سازمان القاعده همچنان یک نگرانی امنیتی بزرگ برای عربستان سعودی به شمار می‌رود. در ماه نوامبر گذشته نبرد سختی بین گروه‌های افراطی و گارد مرزی جنوب عربستان در گرفت. دولت عربستان توانست با حمله‌ایی که افراط‌گرایان در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ ترتیب می‌دادند متبلبله کند. فشارهای دولت سعودی بر شبه‌نظامیان مسلح القاعده موجب شد تا برخی از رهبران این گروه عربستان را رها کرده و به سایر کشورها از جمله یمن پناه ببرند. یمن از چندی پیش به یکی از پایگاه‌های رزمی این گروه تبدیل شده است. از این رو عربستان نگران آن است که درگیری‌های موجود در یمن که عمدتاً بین نیروهای محلی القاعده و ارتش یمن اتفاق می‌افتد دوباره به این گروه میدان داده و در آینده بتوانند عملیات‌شان را به عربستان انتقال دهند. یکی از اهدافی که القاعده در شبه جزیره عربستان دنبال می‌کند سرنگونی دولت آل سعود است. دولت عربستان تعداد زیادی از طرفداران و فعالان وابسته به القاعده را بازداشت و محاکمه کرده است. یکبار گروه‌های وابسته به القاعده یک دیدلमत سعودی را در یمن رو بودند که با تلاش‌های فراوانی آزاد شد. این حوادث نشان می‌دهد عربستان همچنان به لحاظ امنیتی با تهدیدی به نام القاعده مواجه است.

منبع: **رویترز عربی**



McCain

بررسی سرفصل‌های جدال وزیر دفاع تازه آمریکا با جمهوریخواهان

سرباز متفاوت «پنتاگون»

حمیدرضا آریان‌پور

چنان متفاوت است که مایکل کوهن در مقاله‌ای در گاردین رفتار جمهوریخواهان با نظرهای متفاوتی مانند عقاید هیکل را نوعی «هک کارتیسز مدرن» می‌داند، اما به هر حال با وجود حمایت افراد سرشناسی مانند توماس فریدمن، کالین پاول و سناتور چارلز شومر که نظرات تعیین‌کننده‌ای دارد، هیکل خوش‌شانس می‌ماند. جمهوریخواهان واقعا با هیکل مشکل دارند اما با توجه به چند نکته نهایتا چاره‌ای جز کوتاه آمدن نخواهند داشت. اول حمایت تمام دموکرات‌ها، دوم اکثریت داشتن دموکرات‌ها در سنا، سوم درگیری کaffی با دموکرات‌ها بر سر پرتگه مالی و سقف بودجه. **دشمن لابی اسرائیلی**

هیکل که با وجود همه مخالفت‌ها رییس آینده پنتاگون خواهد بود، در چهارسال پیش‌رو با چالش‌هایی در جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا روبه‌رو خواهد بود اما آنچه در جلسه سنا شنیده شد، بارها و بارها، نام اسرائیل بود. در این جلسه ۱۲۶ بار نام اسرائیل شنیده شد. در حالی که واژه‌های افغانستان، القاعده و مالی به ترتیب ۲، ۲۷ و یک بار بر زبان‌ها آمدند.

اوباما که سردترین مناسبات ممکن را با تل‌آویو داشته، حالا با انتخاب چاک هیکل باردیگر رودرروی نومحافظه کاران و لابی اسرائیلی قرار گرفته است. آمدن هیکل چنان‌که در رسانه‌های آمریکا نمود دارد، چراهای تازه‌ای را به سیاستگذاری ایالات متحده راه داده است. به قول جیم تلنت، نویسنده نشنال ریویو، آمریکا همیشه با «کمک‌های جنسی به اسرائیل، همکاری با اسرائیل درباره مسائل دفاعی و اطلاعاتی، پشتیبانی علنی از استراتژی‌های اصولی اسرائیل در رابطه با فلسطینیان، تضمین آشکار وجود کشور یهودی، اقدام همیشگی برای جلوگیری از انزواي بیشتر جهانی اسرائیل و کاهش دادن سطح خطرات پیش روی اسرائیل»، تعهد خود را به تل آویو نشان می‌داده است، اما این روزها با انتخاب هیکل برای نامزدی مهم‌ترین پست کابینه، درستی این سیاست‌ها از سوی تحلیلگران رسانه‌ها مورد تردید قرار گرفته است.

هیکل در پاسخ به پرسش‌های نمایندگان راست‌گرای سنا گرچه گفته:«طمینان خاطر حاصل می‌کند که دوست و متحد آمریکا، اسرائیل، برتری نظامی خود را در منطقه حفظ کند.» اما نقد خود بر لابی حامی اسرائیل را پس نگرفته است. او در جواب به سوالی درباره اشاره یکی از کتاب‌هایش به ارعاب تصمیم‌گیرندگان سیاسی

در جلسه سنا شنیده شد، بارها و بارها، نام اسرائیل بود. در این جلسه ۱۲۶ بار نام اسرائیل شنیده شد. در حالی که واژه‌های افغانستان، القاعده و مالی به ترتیب ۲، ۲۷ و یک بار بر زبان‌ها آمدند.

آمریکا نمود دارد، چراهای تازه‌ای را به سیاستگذاری ایالات متحده راه داده است. به قول جیم تلنت، نویسنده نشنال ریویو، آمریکا همیشه با «کمک‌های جنسی به اسرائیل، همکاری با اسرائیل درباره مسائل دفاعی و اطلاعاتی، پشتیبانی علنی از استراتژی‌های اصولی اسرائیل در رابطه با فلسطینیان، تضمین آشکار وجود کشور یهودی، اقدام همیشگی برای جلوگیری از انزواي بیشتر جهانی اسرائیل و کاهش دادن سطح خطرات پیش روی اسرائیل»، تعهد خود را به تل آویو نشان می‌داده است، اما این روزها با انتخاب هیکل برای نامزدی مهم‌ترین پست کابینه، درستی این سیاست‌ها از سوی تحلیلگران رسانه‌ها مورد تردید قرار گرفته است.

هیکل در پاسخ به پرسش‌های نمایندگان راست‌گرای سنا گرچه گفته:«طمینان خاطر حاصل می‌کند که دوست و متحد آمریکا، اسرائیل، برتری نظامی خود را در منطقه حفظ کند.» اما نقد خود بر لابی حامی اسرائیل را پس نگرفته است. او در جواب به سوالی درباره اشاره یکی از کتاب‌هایش به ارعاب تصمیم‌گیرندگان سیاسی

هیکل در یک نگاه

چارلز تیموتی چاک هیکل، متولد چهارم اکتبر ۱۹۴۶ میلادی در ایالت نبراسکااست. او به دلیل اقدامات خود در پیاده‌نظام جنگ ویتنام که داوطلبانه به آنجا رفته بود دارند دو مدال «قلب آفرغوانی» است. او که نشان سیاس ارتش، صلیب رشادت ویتنام و مدال پیاده نظام رزم را هم به دست آورده، گروهبان ارتش است. هیکل پس از پایان جنگ به سیاست و تجارت روی آورد. شرکت ونگارد سلولار را تاسیس کرد، رییس بانک سرمایه‌گذاری مک کارتی و مدیر عامل شرکت سیستم‌های اطلاعات آمریکا شد. در سال ۱۹۹۶ برای نخستین‌بار و در سال ۲۰۰۲ برای بار دوم سناتور ایالت نبراسکا شد. در سال ۲۰۰۸ از سنا بازنشسته شد و اکنون استاد دانشگاه جرج تاون، رییس شورای آتلانتیک و از روسای هیات اطلاعاتی مشاور رییس‌جمهوری است. او در سال‌های گذشته در مراسم جشن هالووین به شکل شخصیت‌هایی چون جوبایدن، جان مک‌کین و کالین پاول درآمده است!

در آن پیش‌تر متفاوت ظاهر شده و اکنون تلاش می‌کند جمهوریخواهان را مطمئن از برخورد با تهران کند. هیکل در سخنان خود در سنا گفت:«من کاملا به هدف رییس‌جمهوری برای پیشگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای متعهد هستم و همان‌طور که بارها گفتم‌ام، باید همه گزینه‌ها را برای رسیدن به این هدف درنظر گرفت.» اما او پیش‌تر با حمله یک‌جانبه آمریکا با اسرائیل به ایران مخالفت کرده و خواهان دعوت از ایران برای پیوستن به گفت‌وگوهای صلح در افغانستان شده بود. از این رو بود که نام ایران هم در جلسه سنا ۱۳۵ بار تکرار شد. به این دلایل و دلایل از پیش گفته شده تل‌آویو و حامیان‌ش به هیکل می‌تازند اما چنان که گفته شد او چهارسال مرد نخست پنتاگون خواهد بود.

اصلاح بودجه پنتاگون

اسا جمهوریخواهان از زاویه‌ای دیگر نیز از هیکل در هراسند و آن بحث کاهش بودجه نظامی آمریکاست. هیکل ۶۶ ساله که نخستین سرباز جنگ ویتنام است که به وزارت دفاع می‌رسد در پی کاهش بودجه پنتاگون به نحوی متفاوت از آن چیزی است که جمهوریخواهان می‌خواهند. بودجه نظامی آمریکا نزدیک به ۲۰۰درصد کل بودجه بیش از ۶۲۰ میلیارددلاری این کشور است و در شرایطی که کسری شدید بودجه گریبانگیر اقتصاد آمریکا شده، پنتاگون هم مانند بسیاری دیگر از بخش‌های دولتی ناچار به کاهش بودجه است. بسیاری از جمهوریخواهان کاهش ۵۵میلیارددلاری بودجه پنتاگون را فاجعه‌بار می‌دانند، اما با توجه به خروج آمریکا از عراق و برنامه خروج از افغانستان بنظر می‌رسد که هیکل با مشکلی در بودجه مواجه نخواهد شد.

ایالات متحده که چهاردرصد جمعیت دنیا را دارد، ۴۲درصد هزینه‌های نظامی جهان را خرج می‌کند و تغییر هرچند اندک این رویه تفاوت دیگری برای هیکل خواهد بود. روزنامه هافتینگتون‌پست در نوشت‌های می‌آورد:«از سال ۱۹۵۲ که جمهوریخواهان رییس‌جمهوری را به متهم کردن دموکرات‌ها به نرمش برابر کمونیسم بردند، آمرانه از بودجه‌های عظیم دفاعی حمایت کرده‌اند. باراک اوباما نخستین رییس‌جمهوری در ۶۰ سال گذشته است که اعتبار قابل‌بختی در زمینه امنیت ملی دارد.» حالا گویا ممکن است هیکل روند ۶۳ سال گذشته را تغییر دهد. چنان که فیلیس بنیس می‌گوید:«در دنیای ایده‌آل، ممکن بود نامزد بهتری از چاک هیکل برای وزارت دفاع آمریکا داشته باشیم، اما در دنیای واقعی، او انتخاب پراگماتیک است که می‌تواند با افزایش هزینه‌های دفاعی و لابی قدرتمند اسرائیلی و شیفتگان جنگ رویارو شود.»

اما لس آنجلس تایمز، لقبی را به چاک هیکل می‌دهد که برای وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا اندکی غریب به‌نظر می‌رسد. اگر هیکل در سال ۲۰۱۷ شایسته این لقب باشد، واقعا تفاوتی بزرگ خواهد بود. دوئل مک موناس، نویسنده این روزنامه، او را ضدجنگ می‌داند:«هیکل که دوبار در جریان جنگ ویتنام مجروح شده است، می‌گوید من پیامد رنج و وحشت جنگ را دیده‌ام. من همیشه این سوال را می‌پرسم که آیا کاری که انجام می‌دهیم ارزش قربانی کردن را خواهد داشت؟ چون قطعا قربانیانی خواهند بود. من امیدوارم که اگر افتخار خدمت به عنوان وزیر دفاع را پیدا کنم، کسی در پنتاگون مسؤول باشد که واقعیات و نتایج جنگ را درک می‌کند.» این لحن آشکارا با لحن وزیران پیشین متفاوت است اما مهم اقدام عملی در این جهت است. باید منتظر ماند و دید.

دریچه

دموکراسی و عقلانیت استبدادی اعراب

●جنبش‌های موجود در منطقه عربی، چیزی جز حاصل انباشته شدن ظلم و ستم و فشارهایی نیست که از سوی حاکمان شیفته قدرت به‌شیوه‌های مختلف هُهر و استبداد در حق شهروندانشان اعمال شده است؛ شهروندانی که از برخی حقوق اساسی خود نظیر آزادی بیان، تمرین دموکراسی و داوری درمورد حاکمان وقت محروم هستند.

تردیدي وجود ندارد که تجربه دموکراسی در کشورهای عربی کاملا جدید است. پس از ده‌ها سال حکومت‌های استبدادی و عدم تمرین دموکراسی این تجربه مشکلات خاص خودش را خواهد داشت و بیشتر به یک کودک می‌ماند که هنوز یاد نگرفته است روی پاهای خود راه برود و همچنان کج‌موج می‌شود و تلاش می‌کند بایستد. قطعا در این باره لغزش‌هایی صورت خواهد گرفت اما باید فرصت داد تا جوامع یادشده بتوانند ساختارهای دموکراتیک و جدیدی بنا کنند که در آنها شهروندان و احزاب به درجاتی از آگاهی سیاسی لازم برخوردار باشند.

با این حال تغییراتی که در پی انقلاب‌های موسوم به بهار عربی به‌وجود آمد پی‌ها و ستون‌های این دموکراسی را برای آیندگان خواهد گذاشت. آنچه در کشورهای تونس و مصر رخ داد هرچند موجب به قدرت رسیدن گروه‌های سنتی و مذهبی شد اما این پایان کار نیست.

نخوه دست یافتن چنین گروه‌هایی به قدرت یک روند دمکراتیک داشته است؛ گرچه ممکن است این گروه‌ها یادشان برود که مردم آنها را برای چه انتخاب کرده‌اند. زیرا مردم آنها را انتخاب کرده‌اند تا جامعه را به پیش برده و با فساد اداری سابق مبارزه کنند. از این‌رو تجربه حکومت برای چنین گروه‌هایی آسان نخواهد بود و آنها به‌دلیل عدم‌آگاهی لازم و به‌خصوص بی‌توجهی به مسوولیتی که باید انجام دهند با موانع فراوانی روبه‌رو خواهند شد.

از سوی دیگر این گروه‌ها نمی‌توانند به همان شیوه‌های سرکوب‌گرانه رژیم‌های دیکتاتوری سابق متوسل شوند. چنین رویکردی به‌طور قطع موجب بروز نوع جدیدی از یک گروه قدرت اپوزیسیون خواهد شد که هم‌اکنون نتوانسته‌اند به قدرت برسند. این اتفاق در مصر و تونس افتاده است و گروه‌های معترض به اشکال گوناگون نارضایتی خود را اعلام می‌کنند. اما این اعتراضات



تینا یک زنگ خطر است و نشان می‌دهد که بر این ملتها دیگر نمی‌توان با همان شیوه‌های سابق حکومت کرد.

در اینجا قصد آن نیست که دولتی به دیکتاتوری متهم شود، بلکه صحبت بر شیوه‌هایی است که می‌توانند موجب بازتولید تجربه دیکتاتوری‌های سابق شود. حکومت‌هایی که اراده خود را بر مردم تحمیل می‌کردند و رفتارشان کاملا با اصول دموکراسی و آزادی در تضاد بود.

مصر و تونس دو کشور با نظام‌های سکولار بودند. دین در ساختار حکومتی و در نگرش رهبران این کشورها نقش مهمی نداشت. نیروهای مذهبی در واقع اپوزیسیون این نظام‌ها را تشکیل می‌دادند که پیوسته در معرض سرکوب قرار داشتند. اوضاع در لیبی نیز چندان تفاوتی با این دو کشور نداشت و تنها ویژگی مشترک این دولت‌ها خودکامگی رهبرانش بود.

حتی ظهور نمادهای اندکی از دموکراسی در کشورهای یاد شده قابل توجه خواهد بود و این شرایط به هرحال بهتر از فقدان دموکراسی است. برخی کشورهای عربی همچنان تصور می‌کنند به دور خود حضاری محکم کشیده و این موج انقلاب‌های عربی به آنها نخواهد رسید اما این تصور دقیقی نیست.

ملت‌های عربی هنوز راهی طولانی در پیش دارند تا بتوانند خود را از عقلانیت استبدادی خلاص کنند، زیرا چنین تفکری در سر خیلی‌ها وجود دارد و طبعا باید سال‌ها تلاش شود تا با تمرین واقعی دموکراسی این ذهنیت پاکسازی شود. کشورهای عربی در برابر چالش‌های متعددی قرار دارند که در جریان آن با تجربه دموکراسی‌شان موفق از کار درآمده و با ایجاد تغییراتی مطلوب این کشورها مسیر سازندگی و پیشرفت را تجربه خواهند کرد یا اینکه به هرج‌ومرج و ویرانی و جنگ‌های داخلی کشیده می‌شوند و این مساله به میزان آگاهی و مسوولیت‌پذیری رهبران سیاسی این کشورها بستگی دارد.

منبع: **الزمان**